

## اخبار

## سرنوشت نامعلوم

## کودک گمشده مشکین شهری

**گروه حوادث/** پس از ۹ ماه از ناپدید شدن کودک ۴ ساله مشکین شهری، کارآگاهان دونفر را به اتهام آدم‌ربایی دستگیر کردند.

به گزارش «ایران»، ۱۳ فروردین پسر بچه ۴ ساله‌ای در خلخال ناپدید شد و در حالی که هیچ‌کس از سرنوشت او اطلاعی نداشت تحقیقات حتی با فرضیه غرق شدن او در رودخانه هروچای پیگیری شد اما به بن‌بست رسید. با توجه به اینکه غرق شدن ۱۰۰ درصدی کودک در این رودخانه به اثبات نرسید، پرونده به دادسرای مرکزی استان اردبیل انتقال یافت و در جلسات متعدد توسط کارآگاهان اداره آگاهی ابعاد این امر مورد بررسی قرار گرفت.

عتباتی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان اردبیل گفت: مظنونان به ربودن کودک چهار ساله مشکین‌شهری که ۹ ماه پیش در خلخال ناپدید شده بود، دستگیر شدند و اقدام‌های لازم برای بازجویی و جمع‌آوری اطلاعات از مظنونان در حال انجام است. با توجه به اینکه پس از پیگیری‌های انجام شده جسدی از این کودک پیدا نشده است و غرق‌شدگی این کودک به صورت صددرصدی برای ما تأیید نشده تحقیقات برای یافتن او همچنان ادامه یافت. پرونده با توجه به اهمیت موضوع به مرکز استان ارجاع داده شد

و رسیدگی‌ها در این زمینه بار دیگر در جلسه‌ای با حضور دادستان، پلیس آگاهی استان و کارآگاهان مجرب انجام شد و موضوع مورد پیگیری قرار گرفت. با توجه به اینکه فرضیه ربودن کودک نیز مطرح بود شواهد و مدارک تجزیه و تحلیل شد و چند نفر به‌عنوان مظنونان پرونده شناسایی و دستگیر شدند. این پرونده در مرحله تحقیق است و روند پیشرفت اطلاع‌رسانی می‌شود.



مهتر

## پایان دو هفته اسارت دختر ۵ ساله

**گروه حوادث/** دختر ۵ ساله زاهدانی که بر سر اختلاف‌های مالی پدرش ربوده شده بود پس از دو هفته به آغوش خانواده‌اش بازگشت. در اطلاعیه پلیس آگاهی زاهدان-استان سیستان و بلوچستان آمده است: این دختر پنج ساله در شهرک جهاد این شهرستان در تاریخ هفتم بهمن به علت اختلافات مالی پدرش توسط آدم‌ربایان ربوده شده بود. در حالی که تحقیقات برای ردگیری آدم‌ربایان و نجات دخترک آغاز شده بود، پس از دو هفته آنها، دختر خردسال را در یکی از خیابان‌های شهر رها کردند. تلاش برای دستگیری آدم‌ربایان ادامه دارد.

## مصدومیت ۵ کارگر در ریزش دیوار



ایران

**گروه حوادث/** ریزش دیوار خانه نیمه‌کاره در یکی از روستاهای ساری ۵ کارگر را زیر آوار گرفتار کرد. این حادثه حوالی ظهر دیروز در روستای «بندارخیل» واقع در کمربندی غربی ساری اتفاق افتاد. ذکریا اشکور، سخنگوی اورژانس مازندران گفت: مجروحان این حادثه با سه دستگاه آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند. بررسی‌های مقدماتی نشان داد کارگران در طبقات پایینی این ساختمان سه طبقه مشغول کار بودند که آوار شدن دیوار طبقات بالا سبب زخمی شدن آنان شد. مجروحان بین ۳۰ تا ۶۵ سال سن داشتند که از ناحیه سر و دست دچار مصدومیت شده‌اند.

## اخطار به اخلاک‌گران چهارشنبه سوری

**گروه حوادث/** دستگیرشدگان چهارشنبه‌پایان سال تا فروردین سال آینده مجوز آزادی ندارند. سرهنگ محمد علی صفایی، رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی البرز گفت: در اجرای برنامه‌های مخصوص پیرامون چهارشنبه‌پای آخر سال مأموران کنترل صنف‌هایی را که احتمال دارد اقدام به فروش مواد پیش‌ساز برای ساخت نارنجک و ترقه کنند در دستور کار خود داشته و تاکنون اقدام‌های قابل توجهی در این مورد انجام گرفته است. میزان کشفیات مواد محترقه تاکنون ۸۰ هزار عدد بوده است و باید اعلام کنم افرادی که در چهارشنبه‌پایان سال اقدام به شرارت کنند و تخریب‌هایی را برای ایجاد اختلال در امنیت مردم انجام دهند تا پایان فروردین ماه سال آینده میهمان نیروی انتظامی خواهند بود.

رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی البرز با اشاره به دستگیری اعضای باند اراذل و اوباش در شهرستان کرج افزود: به این گونه افراد هم هشدار داده شده و در این راستا در تعامل خوبی با دادستانی استان هستیم. اراذل و اوباش به این نتیجه رسیدند که کرج و استان البرز محل جولان اوباشگری نیست و در خصوص امنیت مردم با کسی تعارف نخواهیم داشت. اعضای یک باند دستگیر شده چهار مرد و دوزن بوده‌اند که اقدام به خفت‌گیری، شرخری و زورگیری می‌کردند.

## جاعلان ویژه عراق پای میز محاکمه



ایران

**گروه حوادث/** باند یازده نفره‌ای که در پوشش کارمند آژانس مسافرتی اقدام به جعل پنج هزار ویزای تقلبی عراق کرده بودند صبح دیروز در شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته پس از دستگیری رئیس این باند فاش شد. این مرد در بازجویی به جعل پنج هزار ویزای مسافران به عراق اعتراف کرد و سپس ده متهم دیگر که در آژانس جداگانه‌ای با گرفتن ۴۰ دلار از زائران اقدام به صدور ویزای تقلبی می‌کردند توسط پلیس اطلاعات دستگیر شدند و مأموران پس از بررسی مخفیگاه متهمان، دو هزار مدرک جعلی هم درحافظه سیستم‌های رایانه‌ای آنها کشف کردند.

صبح دیروز اعضای این باند در شعبه هشتم دادگاه کیفری به ریاست قاضی توکلی تحت محاکمه قرار گرفتند و متهم ردیف اول (رئیس کاروان) در دفاعیاتش گفت: من فقط ویزای مسافران را از طریق سفارت می‌گرفتم و در جعل هیچ دخالتی نداشتم‌ام و حتی سوادش را هم ندارم. پنج کلاس بیشتر درس خوانده‌ام، تحت فشار بازجویی اعتراف کردم. سپس متهم دیگر پرونده هم با اظهار بی‌اطلاعی از جعل ویزا گفت: من ویزاهای افرادی را پیگیری می‌کردم و تاکنون حتی یک شاکی هم نداشتم. سپس سایر متهمان به دفاع از خود پرداختند و در پایان محاکمه قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

## سناریوی ناتمام فرار قاتل شکاک

دریافتند که مرد میانسال بعد از ارتکاب جنایت راهی مشهد شده است. با این سرنخ کارآگاهان جنایی با نیابت قضایی راهی مشهد شدند و به تحقیق از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها پرداختند و سرانجام با انجام اقدامات اطلاعاتی، مظنون فراری را در خیابان طبرسی مشهد شناسایی و دستگیر کردند. سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: حجت پس از انتقال به اداره آگاهی به قتل همسرش به‌خاطر اختلاف اعتراف کرد.

## تجاوز سرشناسانه گمشده مقتول

این مرد میانسال در گفت‌وگویی انگیزه‌اش را درباره قتل همسرش شرح داد.

**روز حادثه سر چه موضوعی با هم درگیر شدید؟** من و همسرم چند سالی باهم اختلاف داشتیم. مدتی بود که به من گیر داده بود و می‌گفت شناسنامه‌اش را من برداشتم تا با آن پول‌هایش را از حسابش خارج کنم. ولی من تأکید می‌کردم که شناسنامه‌اش دست من نیست و او باورش نمی‌شد. روز حادثه هم چادرش را سر کرد تا به خانه خواهرش برود. من از این کارش خیلی عصبانی شدم و به آشپزخانه رفتم، چاقویی برداشتم و چندین ضربه به گردن و قفسه سینه و ران پایش زدم.

**فقط به خاطر اینکه می‌خواست به خانه خواهرش برود؟** نباید به آنجا می‌رفت. ما باهم مشکل داشتیم و درگیری بین من و شوهر خواهرش و خواهرزاده‌هایش بیشتر از آن بود که زخم بخواد به خانه آنها برود.



ایران

در جریان تحقیقات کارآگاهان دریافتند شوهر این زن با او اختلاف داشته و او به‌عنوان مظنون اصلی پرونده تحت تعقیب قرار گرفت.

بدین ترتیب مشخصات مظنون ۵۵ ساله به نام حجت به تمامی واحدهای گشت پلیس آگاهی فرستاده شد و از سوی کارآگاهان جنایی در بررسی‌های خود

## فرجام خونین دو رقیب عشقی



ایران

**گروه حوادث: معصومه مرادپور/** پسر نوجوانی که رقیب عشقی‌اش را در درگیری کشته بود با رأی قضات دیوان عالی کشور از قصاص گریخت و به پرداخت دیه و حبس محکوم شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سوم آبان سال ۹۴ با گزارش مرگ پسر جوانی در میدان اصلی شهر ورامین شروع شد. با حضور کارآگاهان جنایی در محل و تحقیقات مقدماتی مشخص شد مقتول پسر جوانی به نام رامین است که به دلیل اصابت ضربه چاقو به سینه‌اش در بیمارستان جان باخته است.

به گفته شاهدان مقتول در درگیری با چند نفر و با چاقوی پسر نوجوانی به‌نام «سجاد» مجروح شده بود. با این سرنخ جست و جو برای یافتن عاملان نزاع شروع شد و سرانجام مأموران سجاد را دستگیر کردند.

این نوجوان در بازجویی به قتل اعتراف کرد و گفت: با رامین (مقتول) در یک گروه تلگرامی آشنا شدم. اما بعد از مدتی متوجه مزاحمت‌های او برای دختر مورد علاقه‌ام شدم و به همین دلیل با هم قرار دعوا گذاشتم و در یک نزاع دسته جمعی با ضربه چاقو او را از پا درآوردم.

با این اعترافات پرونده برای رسیدگی در اختیار شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی

عبداللهی قرار گرفت و اولیای دم خواستار قصاص شدند.

سپس متهم در جایگاه ایستاد و گفت: آن روز من و رامین به اتفاق دوستان‌مان برای دعوا به میدان شهر رفتیم. تعدادمان زیاد بود و به جان هم افتادیم که من ناخواسته باعث قتل رامین شدم.

در این جلسه وکیل مدافع سجاد هم گفت: موکلم هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بوده به همین خاطر تقاضا دارم طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی جدید

## اعتراف به سرقت سینمایی



ایران

اما بررسی‌های کارآگاهان پلیس نشان داد بهنام واقعیت را نگفته و شخصی با مشخصات برادر بهنام هرگز در بیمارستان بستری نبوده است.

با برعکس شدن دروغ‌گویی متهم، بهنام به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: سرقت‌کار من ویکی از دوستانم است. ما بیکار هستیم و شب‌ها پیش سرایدار مجتمع می‌آمدم.

در این رفت و آمدها متوجه شدیم وضعیت دو برادری که در مجتمع زندگی می‌کنند از ساکنان دیگر خیلی بهتر است. یک شب کلیدهای یکی را برداشتیم و وارد آپارتمان این دو

## گروه حوادث/

مرد جوانی که با همدستی یکی از دوستانش از خانه دو برادر ثروتمند سرقت مسلحانه کرده بود پس از چند هفته بازجویی لب به اعتراف گشود و اتهامش را پذیرفت.

این در حالی است که همدست او همچنان فراری است و تحقیقات برای دستگیری او ادامه دارد.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، سرکره‌ها ۱۱ دی سر و صدای دو مرد جوان، پلیس را به یکی از مجتمع‌های مسکونی نیاوران کشاند. مأموران با حضور در این آپارتمان دو برادر جوان را دیدند که در حالی که دست و پاهایشان به تخت بسته شده بود

به پلیس گفت: داخل اتاقم بودم که متوجه سر و صدای برادرم شدم. وقتی وارد اتاقش شدم دو مرد را دیدم که صورت‌هایشان را پوشانده‌اند و لباس پاکبانی به تن دارند. آنها ما را تهدید کردند که یک میلیارد تومان بدهیم و بعد هم دست‌وپای مرا به تخت بستند و حتی اسلحه‌ای را که به همراه داشتم روی بالشی گذاشتند و روی سرم قرار دادند تا شلیک کنند. آنها من و برادرم را مجروح کردند و بعد از سرقت دلاراه و پول‌ها با خودروی بی‌ام و ما فرار کردند.

با شکایت این دو جوان تحقیقات کارآگاهان پلیس آغاز شد تا اینکه کارآگاهان به سرایدار مجتمع ظنین شدند، این مرد میانسال در حالی که مدعی شد در زمان سرقت در مجتمع نبوده اما سرنخی از متهمان را در اختیار پلیس قرار داد. او گفت: دو پسر جوان که به دیدنم می‌آمدند

## محاکمه عاملان شهادت مأمور پلیس

**گروه حوادث/** دو قاچاقچی بزرگ پاکدشتی که در درگیری با مأموران، افسر پلیسی را با شلیک گلوله به شهادت رسانده بودند، پای میز محاکمه نشستند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سال ۹۴ این دو قاچاقچی با ورود ناگهانی مأموران به مرکز تهیه و توزیع مواد مخدر صنعتی غافلگیر شده بودند اقدام به تیراندازی کردند که یکی از آنها به ستوان یکم میثم مولایی اصابت کرد و باعث شهادت او شد. متهمان پس از این درگیری قصد فرار داشتند که با واکنش بموقع مأموران در محل دستگیر شدند.

فریبرز و رامین پس از دستگیری تحت بازجویی قرار گرفتند. فریبرز به‌عنوان متهم ردیف اول در بازجویی نخست شلیک به مأمور پلیس را پذیرفت. متهم ردیف دوم هم به مأموران گفت: آن روز تازه وارد محل تولید مواد مخدر شده بودم که چند دقیقه بعد صدای در آمد و من در را باز کردم. در همین حال فریبرز با اسلحه‌ای که در اختیارش بود مأموران را به رگبار بست ولی من هیچ نقشی در کشته شدن افسر پلیس نداشتم». این دو متهم صبح دیروز از زندان به شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران منتقل شدند و پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه مادر شهید مولایی قصاص عامل قتل فرزندش را خواستار شد و سپس متهم ردیف اول در حالی که اتهامش را قبول داشت، گفت: من از روی ترس اقدام به تیراندازی کردم و قصد کشتن کسی را نداشتم. پس از اظهارات این دو متهم قضات وارد شور شدند تا رأی خود را صادر کنند.

مادر افسر شهید میثم مولایی به خبرنگار حوادث «ایران» گفت: پسر من پنج سال پیش از شهادتش ازدواج کرده بود. او فارغ‌التحصیل رشته حقوق بود و شغلش را خیلی دوست داشت. حالا تنها نوهام یادگار او است که امیدوارم هر وقت بزرگ شد مانند پدرقهرمانش برای وطنش خدمت کند.



ایران